

به نام خدا

---

# ۶۰ سال زندگی با هنر و صنعت چوب

---

چالش‌ها و تجربیات

به روایت:

سید حسین افشارامین

تدوین‌گر:

مژده پورزکی



شرکت چاپ و نشر بازرگانی

وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

تهران ۱۴۰۰

۸۲۵۸۵۷۷

سرشناسه	: افشارامین، حسین، ۱۳۲۰-
عنوان و نام پدیدآور	: ۶۰ سال زندگی با هنر و صنعت چوب: چالش‌ها و تجربیات / به روایت سیدحسین افشارامین؛ تدوینگر مزده پورزکی
مشخصات نشر	: تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص. ۵/۲۱x۵/۱۴، م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۸-۹۱۳-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان گسترده	: شصت سال زندگی با هنر و صنعت چوب: چالش‌ها و تجربیات.
موضوع	: افشارامین، حسین، ۱۳۲۰-
موضوع	: میلمان -- ایران -- صنعت و تجارت.
	: فرآورده‌های چوبی -- ایران -- صنعت و تجارت
	: پورزکی، مزده، ۱۳۶۵-
شناسه افزوده	: شرکت چاپ و نشر بازرگانی
شناسه افزوده	: TS۸۸۰
رده بندی کنگره	: ۶۸۴/۱۰۰۹۵۵
رده بندی دیویی	: ۸۶۶۹۹۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: فیبا
اطلاعات رگورد کتابشناسی	

Furniture industry and trade -- Iran  
Wood products industry -- Iran\*



## شرکت چاپ و نشر بازرگانی

وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

### ۶۰ سال زندگی با هنر و صنعت چوب (چالش‌ها و تجربیات)

به روایت: سیدحسین افشارامین  
تدوینگر: مزده پورزکی

www.ketab.ir

صفحه‌آرا: سولماز دمندانی

طراح جلد: جمال سرور سندان

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

قیمت: ۳۹،۰۰۰ تومان

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۸-۹۱۳-۰

لینترگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

«کلیه حقوق محفوظ و مخصوص شرکت چاپ و نشر بازرگانی است.»

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، نبش کوچه همدان، شماره ۱۲۰۴

توزیع و پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹ - ۰۲۱ / فروشگاه مرکزی: ۶۶۴۲۵۱۱۸ - ۰۲۱

واحد نشر مکتوب: ۶۶۴۳۹۲۰۶ - ۰۲۱

واحد نشر الکترونیک: ۶۶۴۳۹۲۰۲ - ۰۲۱ / digital.cppc.ir

WWW.CPPC.ir / WWW.TCPPC.ir / www.takbab.com



## فهرست مطالب

۵	سخن تدوین‌گر
۷	کاری شیک، با درآمدی خوب
۷	شاگردی نزد استادکار کارخانه آلمانی
۸	شجاعت کافی برای انجام کار را داشتم
۱۱	وقتی اوستا ماجرا را فهمید
۱۳	قصه گهواره وزیری اطلاع!
۱۵	نوازشی از نوکران اعلی حضرت عاری از مهر
۱۶	دو راهی سری سازی یا سفارش‌گیری
۱۷	هفته‌ای یک بار به خانه می‌رفتم
۱۷	هم‌دوره عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان و جمشید مشایخی در تئاتر
۱۹	برای اولین بار خسروشکیبایی را به تئاتر آوردم
۲۰	بازی فوتبال با بهروز وثوقی
۲۰	اساسنامه نویسی زیر بار جبر و زور دولت
۲۱	تئاتر مهارت‌های صنفی!
۲۲	میل استیل ۵۰ هزار تومانی
۲۴	تولید مبلمان دربار در کارخانه بوهاس
۲۵	۱۷ رسته شغلی در صنعت چوب خرد
۲۵	خمودگی صنوف نسبت به آنچه بر آن‌ها می‌گذرد
۲۶	این‌ها حق ندارند رأی بیاورند!

۲۷	سنگ‌های درشت زیرپای صادرات
۲۹	عقاب سفید و سفارش کار وزیر امارات به ایرانی‌ها
۳۰	مبلمانی با نقاشی کار دست و طرح اسلیمی در نمایشگاه تهران
۳۲	عصبانیت اسپانیایی از صد سال گارانتی یک دروازه
۳۳	کارشکنی‌ها و شکست شرکت فجر آزادی
۳۴	راز شکست کارهای مشارکتی در ایران
۳۶	عضویت پروفیسورها در اتحادیه صادراتی!
۳۷	شعرخوانی در مقابل رئیس صریح‌اللهجه
۳۸	سودجویان و خارجی‌های فراری
۳۹	پشت پرده تغییر تعرفه صادراتی
۴۰	تجربه‌های برد و باخت در کارزار عوارض و مالیات
۴۵	تعجب پدر از کار پسر!
۴۶	ورود زنان به صنعت طراحی داخلی
۴۷	تفاوت درهای «مسکن مهر» و امام‌زاده‌ها
۴۷	پارچه سفید مبیل امام (ره) و تغییرات فرهنگی استفاده از مبیل پس از انقلاب
۴۸	رقابت با ترکیه و الگوهای صادراتی
۵۰	گرانی بسته‌بندی مبلمان و حمل و نقل
۵۰	صنعت چوب و مشکلات محیط زیستی
۵۰	شرایط تولید اسفنج، فوم و پارچه مبلی
۵۱	ظرفیت اصناف
۵۱	تقدی بر تشکل‌های صنفی
۵۳	اصلاح قانون نظام صنفی
۵۵	وضعیت موجود و چشم‌انداز صنعت در ایران
۵۶	آینده صنعت و هنر چوب
۵۷	یادی از پیشکسوتان هنر صنعت مبلمان

## سخن تدوین‌گر

تجسم مهربان‌ترین مردان هم‌وطنم، سال‌هاست مرا به سرزمین بازار و اصناف کشانده و نامهربانی‌های گاه‌به‌گاه افکار عمومی متأثر از تولیدستیزان تریبون‌دار، روحم را خط و خشی عمیق انداخته اما شناختی بی‌واسطه از ایشان، عزمم به صیقل بلور کدرشده از بدبینی به اصناف را هر روز بیشتر جزم می‌کند.

بزرگ‌مردان خوش‌قلب، خوش‌خیال و خوش‌آخرتی که در کارگاه کوچک خود با پنجره‌ای روبه‌کوچه‌پس‌کوچه‌های سلیخ‌بازار و شهر، معجزه‌کار دست می‌آفرینند و وقف مواجهه با طوفان قوانین جدید، عجیب و هردمبیل هر دولت و وزیر و مجلس می‌شوند. آنانی که چندی است یک‌به‌یک از تولید به توزیع پناه برده و با هر قفل بر کارگاه‌های خود، چهره چروکیده و معصوم پیران بازار را به صورتک‌های مردان و زنان جوان، همان لوکس‌فروش‌های بی‌پناه، ورشکسته و بی‌آتیه با دل‌های پژمرده متحول می‌سازند.

دنیایی پر از قصه برای فیلم‌نامه‌نویسان سریال‌های هیجان‌انگیز، فیلم‌های تخیلی، تراژدی و حتی درون‌مایه طنز برای جشنواره‌های جهانی با این مضمون که چطور هر یک نفر بازاری، سرمایه‌اندک خود را از هفت‌خوان دردهای بلایای طبیعی، خودتحریمی‌ها، فقر بانک جهانی با بازار ایران، مالیات‌ستانان بی‌منطق، قوانین کهنه‌تأمین اجتماعی، حسودان مانع‌تراش و نیروی انسانی بی‌قرار و فراری، نجات داده و می‌گذراند و هم‌زمان به فکر نجات باقی بشریت است و اینکه همیشه حق هم با مشتری است، هم با ستاد تنظیم بازار، هم با میزبان مالیاتی و هم با مجلس محترم قانون‌گذار و حتی با وزیری بی‌اطلاع از قصه گهواره کودکی خود!